

اهداف حکومت دینی

محمد مهدی حائری پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۸

چکیده

انسان‌ها در حرکت‌های فردی و اجتماعی، به دنبال مقصد و هدف معینی هستند و در واقع، دستیابی به اهداف، انگیزه حرکت و اقدام و کم و کیف آنها را تعریف می‌کند. حکومت‌ها نیز که نماد اراده اجتماعی هستند برای رسیدن به اهداف مشخصی شکل می‌گیرند و البته بسته به پشتوانه فکری آنها، اهداف‌شان نیز متفاوت خواهد بود. در این مقاله درباره اهداف حکومت دینی بحث شده است و در فرآیند بحث ابتدا ضرورت حکومت و مقصود از اهداف حکومت و اهمیت و فائده بحث بیان گردیده و سپس به تحلیل چگونگی کشف اهداف حکومت دینی از دو راه پرداخته شده است: یکی از مسیر تحلیل انسان و نیازهای او و دیگری با مطالعه آیات و روایات اسلامی به ویژه کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام. و نتیجه بحث به طور خلاصه این است که اهداف حکومت دینی عبارتست از: تعلیم و تربیت انسان‌ها و قیام ایشان به عدالت در همه بخش‌ها و در روابط فردی و اجتماعی آنها.

واژگان کلیدی

حکومت دینی، اهداف، عدالت، تعلیم، تزکیه.

مقدمه

جامعه‌شناسان می‌گویند تشکیل دولت و حکومت در همه شرایط، یک ضرورت اجتماعی است و نمی‌توان بی‌نیاز از آن بود و نیاز به تشکیل حکومت از مسائل جدید حیات اجتماعی انسان نیست، این ضرورت مربوط به تمامی دوران‌های گذشته زندگی مدنی و اجتماعی بشر بوده است. از نظر افلاطون ارتقای به سطح والای زندگی فرد، بدون دولت امکان‌پذیر نیست و ارسطو این حقیقت را از مظاهر طبیعی حیات بشری می‌شمرد.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم، ایران (mm.haeri313@gmail.com).

دانشمندان و متفکران اسلامی نیز بر ضرورت حکومت تأکید کرده‌اند: ابن خلدون از متفکرین اسلامی، فطری بودن زندگی اجتماعی را برای انسان دلیل بر ضرورت تعاون و تشکیل حکومت و پیروی از یک مرکزیت سیاسی می‌داند.

علامه طباطبایی در بحث «ولایت و زعامت در اسلام» مسئله ضرورت تشکیل دولت اسلامی را از نقطه نظر فلسفه اجتماعی اسلام مورد بحث قرار داده است و همچنین امام خمینی رحمته الله علیه در لزوم تشکیل حکومت اسلامی می‌فرماید:

احکام اسلامی اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوق تا روز قیامت باقی و لازم‌الاجراست، هیچ یک از احکام الهی نسخ نشده و از بین نرفته است. این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاد می‌کند که اعتبار و سیادت این احکام را تضمین کرده، عهده‌دار اجرای آنها شود؛ چه اجرای احکام الهی جز از رهگذر برپایی حکومت اسلامی امکان پذیر نیست. در غیر این صورت، جامعه مسلمانا به سوی هرج و مرج رفته، اختلال و بی‌نظمی بر همه امور آن مستولی خواهد شد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۴۶۱).

بنابراین حکومت دینی و ضرورت تشکیل آن همواره محل بحث و تضارب آراء و افکار موافقان و مخالفان آن بوده است ولی در مواردی، موضوع بحث به درستی تبیین و محل نزاع به روشنی بیان نگردیده است و به طور ویژه درباره اهداف حکومت دینی کمتر بحث شده است و البته وقتی ماهیت حکومت دینی و ضرورت آن معلوم نباشد سخن گفتن از اهداف آن جایی ندارد و به نتایج روشنی نخواهد رسید. در این گفتار ضرورت حکومت دینی براساس مبانی انسان‌شناختی و هستی‌شناختی و نیز براساس آیات قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام بیان شده است تا معلوم گردد تنها مسیر ساماندهی جمع دینی و رسیدن آنها به آنچه به عنوان مبانی فکری و فرهنگی پذیرفته شده آنهاست، برپایی حکومت دینی است و بدون حکومت دینی امکان دستیابی انسان مؤمن و جامعه‌ایمانی به اهدافش نخواهد بود.

مقصود از اهداف حکومت چیست؟

در یک معنای کلی هدف وضعیت آرمانی و مطلوب است که باید بدان دست یافت. بنابراین اهداف حکومت امور کلی است که دستیابی به آنها در آن حکومت، مطلوب است تا از رهگذر تأمین آن اهداف و تحقق آنها امور جمع و جامعه به سامان برسد.

اهمیت بحث از اهداف حکومت

اول) اهداف حکومت‌ها که از غایت‌های بنیادین و فلسفی آنها نشأت می‌گیرد ارتباط مستقیم با ملاک انتخاب حاکم و چگونگی انتخاب او دارد چون این که از حکومت چه انتظاری داشته باشند با این که چه کسی و با چه ویژگی‌هایی زمام امور را به دست بگیرد کاملاً مرتبط است. اگر هدف حکومت تنها تامین امنیت جمع و پاسداری از آنها در برابر خطرها و تهدیدها باشد انتخاب حاکمی که بتواند جمع را به این هدف برساند کار دشواری نیست ولی اگر تأمین رفاه براساس عدالت اجتماعی هم از اهداف بود معیار انتخاب دقیق‌تر می‌شود و اگر قرار شد که اهداف حکومت فراتر از اینها باشد و بخواهد علاوه بر رفاه و پاسداری و توزیع عادلانه ثروت، زمینه‌های رشد و تعالی انسان را فراهم کند این جا دیگر معیار انتخاب حاکم و راه انتخاب او بسیار متفاوت خواهد بود چون آن که می‌خواهد انسان بسازد خود باید انسان باشد و آن که می‌خواهد انسان‌ها را از هواها برهاند خود باید از همه کشش‌ها آزاد باشد و آن که می‌خواهد انسان‌ها را از بت‌ها و طاغوت‌ها جدا کند و به خدا پیوند دهد و تحت عبودیت او درآورد خود باید عبد مطلق باشد.

دوم) و البته اهداف حکومت، نظام‌های قانون‌گذاری و خط مشی‌های حکومتی را به صورت مستقیم جهت می‌دهد بر این اساس هرچه عنوان و شیوه این اهداف در نظام حکومتی روشن و مورد توافق باشد افزون بر نشان دادن تمایز و استقلال ماهوی آن از سایر حکومت‌ها بهتر می‌تواند راهنمای عمل دولتمردان و راهگشای الگوی توسعه و پیشرفت در حکومت دینی باشد.

فایده بحث از اهداف حکومت دینی

بحث از اهداف حکومت دینی نه تنها یک بحث نظری بلکه یک موضوع کاملاً کاربردی و عملیاتی است که ثمرات آن در جا جای زندگی فردی و اجتماعی آشکار می‌گردد.

مرحوم استاد صفایی در این باره می‌نویسد:

در نتیجه این بحث، بحث‌های طولانی شیعه و سنی به خوبی حل می‌شود زیرا بین هدف حکومت‌ها با ملاک انتخاب حاکم و طریق و راه انتخاب، رابطه محکمی وجود دارد و هر یک از حکومت‌ها به خاطر هدفی که دارند با ملاک انتخاب و راه انتخاب مشخص همراه هستند. آن حکومتی که بار رسالت را (با آن اهداف که گفتیم) بر دوش می‌کشد و براساس توحید استوار است جز با پای عصمت به مقصد نمی‌رسد. در حکومتی که با هدف

شکوفاکردن استعدادها و تشکیل جامعه انسانی و ایجاد روشنفکری و روشندلی همراه است ناچار حاکم باید به روشنفکری و روشندلی رسیده باشد... والا خلق را برای خود می‌خواهد نه برای خدا و در نتیجه آنها را برده خود می‌سازد نه بنده حق و مطیع الله... (صفایی حائری، ۱۴۰۰ش: ۳۰-۳۱).

... هدف حکومتی اسلام با آن وسعت به این ملاک‌های عمیق و به این راه انتخاب مطمئن نیازمند است و هرگاه در این راه و یا در آن ملاک خدشه‌ای وارد شود تبدیل و تبدلی روی دهد ماهیت حکومتی اسلامی دگرگون می‌شود و از هدف‌هایش کنار می‌افتد (همان: ۳۱).

راه‌های شناختن اهداف حکومت دینی

این‌که چگونه اهداف حکومت دینی را بشناسیم بسته به زاویه نگاه ما به این بحث دارد. ممکن است به اهداف حکومت دینی از زاویه منشأ حکومت بنگریم و این‌که منشأ حکومت خداست و حق حاکمیت اولاً و بالذات از اوست و ممکن است به این بحث با توجه به انسان که موضوع حکومت است و برای پاسخ دادن به نیاز او به حکومت روی آورده‌ایم نگاه کنیم و این‌که برای انسان چه هدفی را می‌شناسیم و برای او چگونه و با چه معیاری هدف‌گذاری می‌کنیم و البته در هر دو نگاه، نتایج بحث با هم شباهت‌هایی دارد گرچه مدخل بحث متفاوت است.

در نگاه اول، دو نظریه مهم در مورد منشأ حکومت وجود دارد. عده‌ای بر عقل بشر و منافع بشر تأکید دارند و معتقدند حکومت امری زمینی و برخاسته از تصمیم مجموعه انسانی است و در این صورت تمام هدف حکومت به تأمین نیازهای جمع انسانی در زندگی دنیایی او برمی‌گردد ولی نگاه دیگر نگاه فرابشری به حکومت است و این‌که حکم و حکومت از خداست و از سوی او به انسان واگذار شده است روشن است که در این صورت، اهداف حکومت و مردم هم فراتر از خواست بشر و فراتر از نگاه محدود انسان‌ها جدای از وحی، خواهد بود.

اهداف حکومت دینی

برای شناخت اهداف حکومت دینی هم می‌توان به منابع دینی مانند قرآن و سنت معصومین رجوع کرد و هم می‌توان براساس تحلیلی از انسان و هستی و نیازهای انسان در گستره هستی و روابط پیچیده انسان و هستی، این اهداف را بررسی کرد.

اهداف حکومت دینی براساس انسان‌شناسی

یک زاویه مهم در بحث اهداف حکومت، در نظر گرفتن بستر حکومت و حکمرانی است؛ وقتی از اهداف حکومت بحث می‌کنیم چون حکومت‌ها برای انسان و سامان دادن به نیازهای او تشکیل می‌شود پس باید از اهداف انسان سخن بگوئیم بنابراین برای تبیین اهداف حکومت، باید از نیازهای انسان، شروع کنیم و نیازهای انسان را از دو منبع می‌توان شناخت یکی ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان (که با انسان‌شناسی به دست می‌آید) و دیگری از منبع آیات و روایات.

بنابراین اهداف حکومت دینی هم مثل هر حکومت دیگری براساس این سه جهت‌گیری باید مورد بحث قرار گیرد:

۱. اهداف انسان؛

۲. نیازهای انسان در مسیر؛

۳. نیازهای انسان در جمع؛

توضیح این نگاه را با بیان زیر می‌توان داد:

انسان به لحاظ قوهٔ تعقل و نیز به جهت فطرت کمال طلب در هر حرکت و اقدام فردی و اجتماعی به دنبال یک یا چند هدف و مقصد است و البته در مسئله حکومت و حکمرانی این نگاه بسیار جدی‌تر است ولی اهداف انسان درحوزه حکومت، بسته به نگاه و بینش او متفاوت است اگر از انسان مومن به الله و جهان غیب سخن می‌گوئیم دیگر نباید در موضوع اهداف حکومت، تنها از رفاه و عدالت و امنیت حرف بزنیم چون در نگاه انسان مؤمن، عالی‌ترین هدف، رسیدن به سعادت ابدی است و به تعبیر قرآن، مؤمن به فوز و رستگاری واقعی می‌اندیشد یعنی رسیدن به غایت از خلقت خودش که همانا عبودیت الله است و طبعاً برای انسان هدفدار با آن هدف عالی، نیازهایی مطرح می‌شود که بدون پاسخ دادن به آن نیازها، نمی‌تواند به سوی هدف غایی برود و برسد. برای مثال طی این راه طولانی نیاز به هدایت و تعلیم دارد و باید موانع بیرون (طاغوت‌ها) و درون (رذائل اخلاقی) را بردارد؛ بنابراین حکومت‌ها براساس نیاز انسان در مسیر (یعنی در مسیر سعادت)، باید تعلیم و تزکیه (آموزش و پرورش) را به عنوان اهداف میانی انسان بشناسند و برای تحقق آن برنامه داشته باشند.

نیازهای انسان

نیازهای انسان که به دنبال تحقق آنهاست دو گونه است: نیازهای سطحی و نیازهای عمیق.

طبعاً انسان نیازهایی مانند رفاه و امنیت و سلامت را با همین نگاه دنیایی می‌فهمد و لذا همین‌ها را به عنوان اهداف خود می‌شناسد (و حکومت‌ها نیز به دنبال تحقق همین اهداف هستند) ولی بخش دیگری از نیازهاست که عمیق‌تر است که انسان خود نمی‌شناسد و انبیاء از راه وحی به او تعلیم می‌دهند (یا متذکر می‌شوند)؛ ما می‌دانیم که یکسری نیازهای معنوی داریم ولی نمی‌توانیم آنها را توضیح دهیم و در این بخش است که نیازمند به وحی و دستگیری انبیاء هستیم و الا به بیراهه‌ها کشیده خواهیم شد چنان‌که عرفان‌های کاذب فراوان است و به جای رشد، انسان را در مسیر خسر قرار می‌دهند و شاید یک معنای آیه «قل هل ننبئکم بالأخسرين أعمالاً* الذین ضل سعیرهم فی الحیاة الدنیا وهم یحسبون أنهم یحسنون صنعا» (کهف: ۱۰۳-۱۰۴) همین باشد که انسان در مسیر رسیدن به اهداف خود وقتی نیازهای عمیق را به درستی نشناسد عمری تلاش بیهوده خواهد کرد و به جای نزدیک شدن، از اهداف خود که مطلوب و محبوب اوست دور خواهد شد و از این جاست که می‌فهمد برای رسیدن به سعادت و رستگاری، به هدایت و تعلیم و ذکر و عهده‌داری نیازمند است و حکومت وظیفه دارد اینها را تأمین کند و امام جمع و جامعه باید برای تحقق اینها برنامه داشته باشد. یعنی باید حاکم کسی باشد که بتواند آن اهداف عالی را تأمین کند.

بنابراین، این نکته بسیار مهم است که با توجه به این‌که هدف‌گذاری انسان براساس نیازهای اوست باید مراقبت کند که چون نیازها براساس ظرفیت‌ها شکل می‌گیرد پس انسان نباید تنها به ظرفیت‌هایی مانند امیال و غرائز خود توجه کند بلکه همه ظرفیت خود را بشناسد و به دنبال آن به همه نیازهایش توجه کرده و براساس مجموعه گسترده ظرفیت و استعدادش هدف‌گذاری کند و در این جاست که وحی به کمک می‌آید و دستگیری و راهنمایی می‌کند:

«یا ایها الإنسان ما عرک بربک الکریم* الذی خلقک فسواک فعدلک* فی آی صورت ما شاء ركبک» (انفطار: ۶-۸).

یعنی به ظرفیت خدادادی خودت توجه کن: تو مخلوق و ساخت او هستی و او تو را تسویه و سپس قوای تو را تعدیل کرده و در ترکیبی بدیع قرار داده است.

مطابق این آیات گویا در قیامت وقتی انسان با نامه اعمالش - که متناسب با ظرفیت‌های خدادادیش نیست - مواجه می‌شود مورد این خطاب توبیخ‌آمیز قرار می‌گیرد که ای انسان آیا با این خلق و و تسویه و تعدیل و ترکیب، باید این کارنامه را بیاوری؟! نه هرگز چنین نیست و اگر به این ظرفیت‌ها و استعدادها توجه می‌کردی و آنها را می‌شناختی به هدف‌گذاری بلندتری که آخرت تو و ابدیت تو را تأمین می‌کرد می‌رسیدی ولی افسوس که با ندیدن ظرفیت‌های خود، نیازهای عمیق خود را نشناختی و همه چیز را به پای دنیای فانی ریختی چون با ندیدن ظرفیت‌ها و نیازهای عمیق به انکار معاد و ابدیت رسیدی ﴿کلا بل تکذوبون بالذین﴾ (انفطار: ۹).

نیازهای انسان در جمع

و نیز انسان در جمع، نیازهایی دیگر دارد که باز بناست با پاسخ دادن به آن نیازها توسط حکومت، بتواند به مسیر خود تا رسیدن به هدف بلند، ادامه دهد و یکی از مهم‌ترین نیازها در جمع، نیاز به عدالت است. یعنی وقتی جمعی شکل می‌گیرد طبعا در روابط جمع با یکدیگر لازم است عدالت تحقق یابد تا افراد با طیب خاطر و در فضایی سالم در مسیر شدن، حرکت کنند و بی‌عدالتی از موانع بزرگ حرکت انسان در جمع است. بنابراین عدالت در عرصه‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی باید از جمله اهداف میانی حکومت دینی باشد و شاید تعبیر «... ليقوم الناس بالقسط...» در ادامه «لقد أرسلنا رسلنا بالبينات...» (حدید: ۲۵) برای تبیین همین هدف میانی حکومت دینی باشد. چنان‌که غایت قیام و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که «يملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا» با همین بیان قابل توجیه است.

اهداف حکومت دینی براساس منابع اسلامی

در منابع اسلامی درباره اهداف حکومت دینی، نکات بسیار مهم و کلیدی بیان گردیده است که ما در دو ساحت قرآن و روایات به اختصار به آن می‌پردازیم:

الف) قرآن کریم

در یک بررسی کلی در آیات قرآن کریم، چهار هدف عمده بیش از همه جلب توجه می‌کند که نه تنها حکومت اسلامی، بلکه مدیریت‌هایی که از آن نشأت می‌گیرد نیز باید در مسیر این چهار هدف گام بردارد:

۱. آگاهی بخشیدن به انسان‌ها؛
 ۲. تربیت معنوی و احیای ارزش‌های اخلاقی در جامعه؛
 ۳. اقامه قسط و عدل؛
 ۴. آزادی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت.
- قرآن در مورد اصل آگاهی و نیز تربیت انسان‌ها می‌فرماید:

«هو الذي بعث في الأميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفي ضلال مبين» (جمعه: ۲)؛

او [خداوند] کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می‌آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در این آیه هدف بعثت و حاکمیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر شئون مردم را تلاوت آیات الهی و تزکیه و نیز تعلیم کتاب و حکمت شمرده، و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موظف شده است که با تعلیم و تزکیه و تلاوت آیات الهی، مردم را از گمراهی آشکارشان برهاند. وقتی غایت این تعلیم و تزکیه رهایی از گمراهی آشکار است پیداست که این تعلیم و یاد دادن و این تزکیه و پروریدن، با آنچه معلمان و مربیان بشری و بی‌خبر از وحی و غیب، می‌گویند بسیار متفاوت است.

مرحوم علی صفایی رحمته الله عليه در این باره می‌گوید:

تعلیم و تزکیه - آن هم با آن وسعت در تعلیم که «ما لم يعلم» (علق: ۵) و «ما لم يعلم» (انبیاء: ۷؛ نحل: ۴۳) و «ما لم یکن یعلم» (بقره: ۱۵۱)، را در بر می‌گیرد - از تربیتی بنیادی و معرفتی بنیادی و سلوک و اخلاقی جدید حکایت می‌کند که روابط اجتماعی را از اثم و عدوان، به عدل و احسان باز می‌گرداند. آیا این تربیت و معرفت و اخلاق و این تدبیر و تقدیر، از تشکلی جدید و سازمانی متفاوت حکایت نمی‌کند؟! (صفایی حائری، ۱۴۰۰ش: ۱۳۷).

هدف دیگر حکومت دینی از دیدگاه وحی، اقامه قسط و عدل، آن هم به صورت برخاسته از عمق جامعه است که در قرآن به عنوان هدف عمومی بعثت انبیاء مطرح شده است:

«لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط...» (حدید: ۲۵)؛

ما رسولان خود را با بینات فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان را گذاشتیم تا آدم‌ها خود به پا ایستند و برای قسط قیام کنند....

استاد علی صفایی رحمته الله علیه در توضیح این جهت‌گیری می‌گوید:

اهداف حکومت از امن، عدل، قسط، اماتة باطل، اقامه حق، رشد، راحتی و سبزی زندگی و رفاه است تا تعبیر عمیق «لیقوم الناس بالقسط»؛ این تعبیر با تعبیر قسط و عدل در داوری و قضا متفاوت است. عدالت حکومت در جامعه با این هدف که حاکم باید زمینه‌ای فراهم کند که مردم قائم بالقسط باشند، تفاوت دارد (صفایی حائری، ۱۴۰۰ش: ۵۵).

[به تعبیر دیگر] هدف حکومت تنها این نیست که عدالت یا قسط در جامعه تحقق پیدا کند؛ [بلکه] هدف این است که فرد آدم‌ها قائم به قسط شوند (همان: ۱۹) برپا ایستادن و استقلال یافتن آدم، یعنی او دیگر به شرایطش، به محیطش، به همراهانش، به راه، وابسته نیست، حتی در تنهایی خودش در برابر تمامی دشمنان می‌ایستد؛ به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام:

لا تزیدنی کثرة الناس حولی عزة ولا تفرقهم عنی وحشة و لو اسلمنی الناس جمیعا لم اکن متضرعا (زیارت غدیریة، مفاتیح الجنان)؛

زیادی مردم در اطرافم عزتی برای من، و جدا شدنشان ترسی در من نمی‌افزاید و اگر تمامی مردم مرا رها کنند، من نمی‌نالم.

و بالاخره آزادی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت، یکی دیگر از اهداف اصیل بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در قرآن مجید صریحا به این تعبیر آمده است:

﴿و یضع عنهم إصرهم و الاغلال التي كانت علیهم﴾ (اعراف: ۱۵۷)؛

[و پیامبر اسلام] بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود [از دوش و گردن‌شان] برمی‌دارد.

مرحوم علی صفایی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

«بیزکیهم» که قرآن به آن اشاره دارد همان آزادی دادن است. اما انسان را با چه عواملی می‌شود آزاد کرد؟ یک) کنجکاوی و حقیقت‌طلبی، شخصیت انسان را از این پنج اسارت جدا می‌کند؛ دو) عشق بزرگ‌تر، او را از عشق‌های محدودتر آزاد می‌کند؛ سه) شناخت عظمت خودش و حقارت بت‌ها، وی را از بند آنها آزاد می‌کند؛ چهار) شناخت وسعت هستی، او را از تنگنای این مرحله آزاد می‌کند؛ پنج) شناخت عظمت الله، انسان را از معبودها و بت‌ها جدا می‌سازد. اینها عوامل آزادی و زهد انسان است (صفایی حائری، ۱۴۰۰ش: ۶۴-۶۵).

ب) روایات اسلامی

در روایات می‌توان اهداف حکومت دینی را جست‌وجو کرد و در روایتی از امام علی علیه السلام چهار هدف مهم برای حکومت اسلامی به شرح زیر بیان شده است:

اول: بازگشت به اسلام راستین

در روایات اسلامی به ویژه رهنمودهای امامان شیعه نسبت به التزام به ارزش‌های دینی و رعایت حدود الهی تأکیدات فراوان دیده می‌شود به ویژه آن‌جا که سخن از حکومت و حاکمیت دینی است.

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه، ضمن رد هدف جاه‌طلبی و تحصیل مال و منال دنیا در حکومت خویش، می‌فرماید:

اللهم إنك تعلم أنه لم يكن الذي كان منافسة في سلطان ولا التماس شيء من فضول الحطام ولكن لنرد المعالم من دينك ونظهر الإصلاح في بلادك فيأمن المظلومون من عبادك وتقام المعطلة من حدودك (نهج البلاغه، ۱۸۹)؛

خدایا! تو خود می‌دانی که هدف ما (از آنچه کردیم)، رقابت برای به دست گرفتن قدرت و نیز خواستاری فزونی مال دنیا نبود، بلکه چنان می‌خواستیم که نشانه‌های دینت را باز گردانیم، و در سرزمین‌های تو آشکارا دست به اصلاحات زنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات ایمن شوند، و حدود و اوامر تعطیل‌شده‌ات دوباره راه افتد.

سنت‌های اسلامی نشانه‌های راه سعادت است و به تعبیر امام معالم دین علامت‌های راه هستند که با این علامت‌ها باید راه سعادت و کمال انسانی را شناخت و پیمود. امام در تبیین اهداف حکومت خود می‌فرماید: خدایا ما می‌خواهیم این نشانه‌ها که به زمین افتاده و در نتیجه رهروان، راه را پیدا نمی‌کنند، می‌خواهیم اسلام فراموش شده را باز گردانیم و بدعت‌ها را از میان برداشته و سنت‌های اصیل نبوی را جایگزین آن کنیم یعنی اصلاحی در سطح فکرها و اندیشه‌ها و تحولی در برداشت‌ها نسبت به احکام اسلام در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی ایجاد کنیم.

به عبارت روشن‌تر، هر دینی به مرور زمان، اصول و ارزش‌های آن که راه سعادت و تکامل انسان‌اند، مورد بی‌مهری و کم‌توجهی عموم مردم یا گروه خاصی از ایشان قرار می‌گیرد. چه بسا، اصول آن به فراموشی سپرده شود یا مورد تحریف و تفسیر غلط واقع شود یا اصول دین، فروع و فروع آن اصول انگاشته شود چنان‌که امر فوق درباره احکام و آموزه‌های اجتماعی اسلام

اتفاق افتاده است. مثلاً امامت که از اصول اساسی دین و ضامن اجرایی شدن بقیه احکام فردی و اجتماعی دین است به حاشیه برده می‌شود و یا از آن تفسیر غلط می‌گردد و در حد خلافت اسلامی در امور دنیا آن هم توسط هر کسی که به هر نحوی به قدرت برسد تنزل داده می‌شود و به دنبال آن مسیر روشن دینداری که سنت نبوی پرچمدار آن بود دچار تحریف می‌گردد و بدعت‌ها و سلیقه‌های شخصی جای آن قرار می‌گیرد. این جاست که حاکم اسلامی در اولین گام باید دین را از غیردین تفکیک کرده و آموزه‌های ناب آن را که مطابق فطرت و سازگار با هر عصری است به جویندگان سعادت عرضه نماید.

دوم: توسعه اقتصادی (اصلاح چشمگیر در شهرها)

برخی بر این گمانند که دین و حکومت دینی همه هم و غم خود را معطوف نیازهای معنوی و اخروی مردم نموده و بدین سان از عمران و آبادی و توسعه کشور باز می‌ماند. در حالی که خود دین عکس آن را بیان می‌کند. به این معنا که توسعه اقتصادی کشور آن هم به نحو شاخص و چشمگیر جزء اهداف حکومت دینی و اسلامی است. امام علی علیه السلام به عنوان جانشین مقام نبوت و حاکم اسلامی در سخن پیش گفته و در فراز (ونظهر الاصلاح فی بلادک) به وضوح به این هدف تأکید می‌کند.

شهید مطهری رحمته الله علیه در توضیح این فراز از سخن امام به عنوان یکی از اهداف حکومت دینی می‌گوید:

و نظهر الاصلاح فی بلادک خیلی جمله عجیبی است! «نظهر» یعنی آشکار کنیم؛ اصلاح نمایان و چشمگیر؛ اصلاحی که روشن باشد در شهرها به عمل آوریم. آن قدر این اصلاح اساسی باشد که [تشخیص آن] احتیاج به فکر و مطالعه نداشته باشد. علائمش از در و دیوار پیداست. به عبارت دیگر، سامان به زندگی مخلوقات تو دادن، شکم‌ها را سیر کردن، تن‌ها را پوشانیدن، بیماری‌ها را معالجه کردن، جهل‌ها را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم را سامان دادن (مطهری، ۱۳۹۵ش: ۲۹).

چنان‌که آن حضرت در نامه‌اش به مالک اشتر در ضمن بیان اهداف حکومتی او می‌فرماید:

واستصلاح اهلها و عمارة بلادها (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

یعنی باید چشم‌انداز حکومت تو طلب صلاح و درستی مردم و نیز آبادی کشور باشد. هم برای ساخته شدن آدم‌ها برنامه داشته باشی و هدف‌گذاری کنی و هم سرزمین آنها را آباد سازی.

سوم: اصلاح روابط اجتماعی

در ادامه بیان امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۳۱ آمده است:

و یا من المظلومون من عبادک.

از دیگر اهداف حکومت دینی اصلاح روابط طبقات مختلف جامعه با یکدیگر است و از مهم‌ترین مصادیق آن این است که حکومت با جانب‌داری از مظلوم به احقاق حق وی از ظالم در هر مقام و منصبی که باشد، بپردازد و به تعبیر دیگر، حکومت باید امنیت جامعه را به نحوی تنظیم نماید که طبقات مختلف جامعه به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و اگر ظلم و تجاوزی رخ داد، متجاوز بازخواست شده و حق مظلوم از او گرفته شود.

امام درباره تأمین امنیت قضایی برای تمامی طبقات خصوصاً قشر آسیب‌پذیر و ضعیف می‌فرماید:

فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول في غير موطن لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعيف فيها حقه من القوي غير متعتع (ابن شعبه، ۱۳۶۳ ش: ۱۴۲).

از رسول خدا صلى الله عليه وآله در موارد متعدد شنیدم که فرمود:

امتی به مقامی که قابل تقدیس و تمجید باشد نمی‌رسد مگر آن وقت که وضع به این منوال باشد که ضعیف حقش را از قوی بدون لکنت کلمه بگیرد.

استاد شهید مطهری رحمته الله علیه در توضیح این حدیث می‌گوید:

این جمله شامل دو مطلب است: یکی این‌که مردم به طور کلی روحیه ضعف و زبونی را از خود دور کنند و در مقابل قوی هر اندازه قوی باشد، شجاعانه بایستند، لکن به زبان‌شان نیفتد، ترس نداشته باشند که ترس از جنود ابلیس است و دیگر این‌که اصلاً نظامات اجتماعی باید طوری باشد که در مقابل قانون، قوی و ضعیفی وجود نداشته باشد (مطهری، ۱۳۹۵ ش: ۳۰).

چنان‌که امیرالمومنین علیه السلام در توجیه قبول حکومت و حکمرانی بر مردم علیرغم بی‌اعتباری حکومت نزد او به همین فاصله طبقاتی و ضرورت برخورد حکومتی با آن اشاره فرمود:

أما و الذي فلق الحبة و برأ النسمة! لو لا حضور الحاضر و قيام الحجة بوجود الناصر، و ما أخذ الله على العلماء أن لا يقاروا على كظة ظالم و لا سغب مظلوم، لألقيت حبلها على غاربها، و سقيت آخرها بكأس أولها، و لألقيتم دنياكم هذه أزهذ عندني من عفتة عنز؛ سوگند به آن‌که دانه را شکافت و روح را آفرید، اگر حضور حاضران (در بیعت) و تمام شدن حجت به سبب وجود یاری‌کنندگان نبود، و این‌که خدا بر دانشمندان واجب کرده است

که در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت ننشینند، ریسمان خلافت را بر دوشش می‌افکنند، و پایان آن را به جام آغاز آن سیراب می‌کردم، و می‌دیدید که این دنیای شما نزد من بی‌بهاتر از چیزی است که هنگام عطسه کردن بزی از بینی او بیرون می‌پرد.

چهارم: اجرای قوانین و حدود الهی

امام علی علیه السلام از جمله اهداف حکومت دینی را که برای آن اقدام کرده و بیعت مسلمانان را پذیرفته‌اند، اقامه و برپایی حدود و قوانین الهی بیان کرده است و مراد از اجرای حدود تعطیل شده (و تقام المعطلة من حدودك) نه تنها قوانین کیفری و جزایی بلکه احیای مطلق قوانین الهی اعم از جزایی و غیر آن است چنان که در استعمال قرآنی نیز مقصود از حدود الهی همین معنای گسترده آن است و نه معنای مصطلح فقهی که خصوص حدود جزایی و قوانین کیفری است گرچه این بیان حضرت می‌تواند اشاره به بعضی مسامحه‌کاری‌های خلفای پیشین باشد که گاهی روی ملاحظات شخصی از اجرای حدود و احکام شریعت جلوگیری می‌کردند ولی امام همه مردم را در مقابل قوانین الهی یکسان می‌بیند و از هر کس و از هر گروه و صاحب منصبی جرم و خلافی صادر شود بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری‌های سیاسی، اجتماعی، فامیلی او را به پای محکمه کشانده و تاوان خلافتش را می‌دهد. چنان که آن حضرت برخوردهایی با بستگان نزدیک خود مثل ابن عقیل برادرش، ابن عباس دانشمند معروف و معتمدش و دیگر نمایندگان خود داشته است.

بی‌تردید اجرای دقیق حدود الهی و قوانین شریعت از مهم‌ترین عوامل سعادت فرد و جامعه، هم در زندگی دنیوی و هم برای حیات ابدی انسان‌هاست و به همین دلیل قرآن کریم در آیات متعدد بر رعایت این حدود و قوانین تأکید کرده و تجاوز و عبور از آنها را مساوی با ظالم شدن انسان دانسته است:

﴿تلك حدود الله فلا تعتدوها و من يتعد حدود الله فأولئك هم الظالمون﴾ (بقره: ۲۲۹).

نتیجه‌گیری

اهداف حکومت دینی از مباحث اساسی است که گره مباحث دیگر را در بحث حکومت، باز می‌کند و براساس این بحث می‌توان به ضرورت حکومت دینی و نیز شرایط حاکم دینی هم دست یافت. براساس آیات قرآن آگاهی بخشیدن به انسان‌ها و تربیت معنوی و احیای

ارزش‌های اخلاقی در جامعه و اقامه قسط و عدل و آزادی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت مهم‌ترین اهداف حکومت دینی است و براساس روایات معصومین علیهم‌السلام اجرای حدود الهی و اصلاح روابط اجتماعی و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین اهداف حکومت دینی است. چنان‌که می‌توان براساس مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی به حکومت دینی و اهداف آن دست یافت.

منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

۱. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳ش)، *تحف العقول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۲. صفایی حائری، علی (۱۴۰۰ش)، *از معرفت دینی تا حکومت دینی*، قم: انتشارات لیلة القدر.
 ۳. صفایی حائری، علی (۱۴۰۰ش)، *امامت*، قم: انتشارات لیلة القدر.
 ۴. صفایی حائری، علی (۱۴۰۰ش)، *تحلیل حکومت دینی*، قم: انتشارات لیلة القدر.
 ۵. صفایی حائری، علی (۱۴۰۰ش)، *جمع‌ها و حاصل جمع‌ها*، قم: انتشارات لیلة القدر.
 ۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵ش)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق)، *کتاب‌البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.